پیکارپامیر
۲۰۱٦ /٦ /۲۷

وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤ میلادی

(بخش٥٤)

طرح نشست "علمای دینی" افغانستان و پاکستان

اخیرِماهِ مارچ سال ۲۰۱۳میلادی بود که حامد کرزی پس از یکسلسله لجَ بازیهای تصنعی با مقام های امریکایی مبنی برتحویلدهی زندانِ بزرگِ بگرام به حکومت وی، برون رفتنِ نیروهای خاصِ امریکایی از ولایت میدان وردک و امثالهم که با ژستها و تبلیغاتِ مصلحتی و ظاهراً استقلال گرایانه انجام داد، رهسپارشیخ نشینِ قطر شد. آنچه بازهم ازمردم افغانستان پنهان نگهداشته شد، همانا هدفِ اصلی و بنیادی رییس جمهورازاین سفربود. اما، رسانه های داخلی و تحلیلگرانِ سیاسی درآن موقع گفتند که منظور ازاین سفر، بصورت عمده، دیدار با مقام های دولتی قطر، جلبِ همکاری آنها بخاطر تسهیلِ روندِمذاکرات با طالبان و گفت و گوی مخفیانهٔ کرزی با نماینده های این گروه درآن کشور بوده است .

اوایلِ سال ۲۰۱۳م زمزمه هایی بالا گرفت مبنی براینکه باساس فیصلهٔ کنفرانس لندن، " علمای دینی " هردوکشور)افغانستان و پاکستان(، نشستِ مشترکی به منظورتقبیحِ عملِ انتحار و خونریزی و هموار سازی راه غرض پیشبُردِ مذاکره با گروه مسلح طالبان صورت خواهد گرفت " .شورای عالی صلح " درکابل، هنوزبرای چنین نشست آماده گی میگرفت که " علمای" پاکستانی اعلام نمودند " **درصورتی به کابل می آیند که از طرف رهبرانِ طالبان دعوت شوند... اگردرنشستِ علما در کابل بر ضد گروه طالبان فتوا صادرشود و طالبان دراین نشست حضور نداشته باشند، علمای پاکستان دراین نشست اشتراک نخواهند کرد (235) "....**

این، تنها نبود. "علامه طاهراشرفی" رییس شورای علمای پاکستان رسماً گفت که " **اگرچه ما مایل هستیم در روندِ پروسهٔ صلح در افغانستان سهم داشته باشیم، ولی نمیتوانیم بپذیریم که عروسک خیمه شب بازی رییس جمهورکرزی در کابل باشیم ... حملهٔ انتحاری درافغانستان، فلسطین و کشمیر روا و جایزاست؛ زیرا افغانستان از سوی امریکا، کشمیر از سوی هندوستان و فلسطین توسط اسراییل اشغال شده است (236) "...**

این اظهاراتِ خصمانه، بیرحمانه و تحریک کننده که از زبانِ به اصطلاح رییس علمای پاکستان بیرون داده شد، عینِ همان سخنان و اظهاراتِ سرانِ نظامی و استخباراتی پاکستان بود که درمواقع مختلف و بدون اندکترین پرده پوشی، بخصوص توسط جنرال حمید گل، پدر معنوی گروه طالبان بیرون داده شده است . درعین حال، چنین واکنشِ تندِ آشتی نا پذیرانهٔ " علمای " پاکستانی، یکبار دیگر، افکار و شیوه های کارِ سیاسی زبونانهٔ رییس جمهور افغانستان را باطل ساخت و این حقیقت را به میان کشید که مقام های بی مروتِ پاکستانی، با بدست داشتنِ برگِ برندهٔ (گروه های طالبان، حقانی ولشکرطیبه و ...)، به هیچوجه از درِ مُدارا و معاونت با افغانستان پیش نخواهند آمد. این تنها نبود، بلکه همین به اصطلاح علامهٔ پاکستانی دریکی ازفتوا هایش گفت که " عمل انتحاردرافغانستان جایزاست " فتوا و اظهارِغیر شرعی و غیر انسانی ای که هیچ مقام پاکستانی ازآن انتقاد بعمل نیاورد. آنچه پیرامونِ فتوا ها و اظهاراتِ نا روای ملا طاهراشرفی سؤال برانگیربود این بود که درجبههٔ غرب به رهبری ایالات متحدهٔ امریکا، تنها "اندرس فوگ راسموسن "دبیرکل پیمان ناتو آنرا تقبیح نمود و بس .

اینکه تلاشها و تپیدنهای پنهانی حامد کرزی و " شورای عالی صلح" و نیز، تماسگیریهای مخفیانهٔ نمایندهٔ گانِ امریکا و انگلستان و سایردست اندرکارانِ امورِافغانستان مبنی برمذاکره و معامله با گروه طالبان به کجا خواهد انجامید، روزها و ماه های آینده آنرا به اثبات خواهد رسانید. آنچه دراین راستا مسلم می نماید اینست که جانبِ امریکا سعی میکند طالبانِ مطیع، "گپ شنو" و "بدرد بخور" را در هردوسوی خطِ تحمیلی " دیورند" نشانی و دستچین نموده با کُمکهای

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

مالی و تسلیحاتی وحتا نشانیدنِ آنان به کرسی های قدرت دولتی درافغانستان و بالاخره، حصولِ سیطره برآنها، یک نیروی فشارو برهم زنندۀ اوضاع درشهر ها و مناطقِ مسلمان نشینِ چین (ایالت سینکیانگ) و روسیه (جمهوری های مسلمان نشین شامل فدراتیف روسیه)، بخاطرِ رسیدن به هدف های ژئواستراتژیکِ خویش درآینده ها، در دست داشته باشد ویا با در اختیار داشتنِ آنان، قادر شود بدونِ تحملِ تلفاتِ جانی و مالی و بدون مانع داخلی، به پیشبُردِ برنامه های استراتژیک خویش درمنطقه بپردازد. البته این طرح، برشالودۀ تجارب کافی سیاسی – تاریخی وشناختِ دقیقِ دوکشورامریکا وانگلیس ازنیروهای ارتجاعی استوار است. تجاربِ کشورهای مذکوربه آنان این اطمینان را می بخشاید که نیروهای بنیادگرای نوع (طالبی – تنظیمی) میتوانند به سهولت مورد بهره برداری ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی قراربگیرند. این سیاست و پالیسی ایالات متحده، بخصوص از سه دهه بدین سو، با سیاست و پالیسی افغانی حکومت مدارانِ پاکستانی همخوانی دقیقی داشته است. پس درصورتیکه معاملۀ مورد نظر امریکا و حکومت حامد کرزی با گروه طالبان صورت پذیرد (که درآینده خواهد پذیرفت)، اهداف چند گانۀ آتی کاخ سفید بر آورده خواهد شد :

-1 امریکا میتواند ازنظر سیاسی –تبلیغاتی، بگونۀ " آبرومندانه " یی ازافغانستان عقب نشینی نسبت کند .

۲- امریکا میتواند بدون موانع و دور از دغدغۀ آینده نگرانه، به تأسیسِ پایگاه های نظامی و استراتژیکِ خویش در خاکِ افغانستان بپردازد.

-3 امریکا موفق خواهد شد با استفاده از پایگاه های نظامی و نیروی مسلح مزدور واما سر سپرده و ایدئولوژیک، برای رقبای بزرگ آسیایی اش تا مدتها درد سر خلق کند .

-4 امریکا قادرخواهد شد با در دست گرفتنِ دلِ جناح های مختلف ارتجاعی، به بهره برداری از منابع سرشارطبیعی افغانستان مشغول باشد .

-5حکومت پاکستان میتواند ازناحیه ی منازعه ی ناشی از خطِ تحمیلی " دیورند" آرامش حاصل کند.

-6 جانبِ پاکستان قادر میگردد منافع سیاسی- اقتصادی و فرهنگی خویش در افغانستان را توسط گماشته های طالبی و تنظیمی اش تأمین نماید .

-7 پاکستان موفق میشود به گذرگاهِ آسان و مطمئن غرض رسیدن به آسیای میانه غرض بازاریابی دست یابد .

-8 نظامیانِ پاکستانی خواهند توانست افغانستان را بعنوان " عمقِ استراتژیک" دربرابرحملات احتمالی هندوستان باخود داشته باشند.

-9 حکومت پاکستان قادر خواهد شد از مواد و منابع زیر زمینی افغانستان، بخصوص از اورانیم آن برای دستگاه های اتمی خویش بهره برداری نماید

-10پاکستان با موجودیتِ یک دولت فرمانبردرکابل، به آرزو های استعماری اش در منطقه نایل خواهد آمد .

روی همین دلایل بود که مقام های انگلیسی درهمان سالهای پس از ۲۰۰۱ میلادی و دراوجِ تبلیغات وتحریکاتِ " ضد تروریسم " طالبان وسازمان القاعده، علی رغم آنکه با ده هزار سربازِتا به دندان مسلحِ خویش درمناطقِ جنوب غربِ افغانستان جابجا شده بودند، با اظهاراتِ منفی وتسلیم طلبانه ی شان ازقبیل اینکه " **جنگ علیه طالبان راه حل نیست**"، " **ما دراین جنگ پیروزی نداریم** "، "**برای حلِ مشکلِ افغانستان باید راه های سیاسی جُست و جود گردد** "و بالاخره، "**با طالبان مذاکره باید نمود** " و امثالهم، نه تنها اراده ی نیرو های بین المللی را تضعیف نمودند، بلکه بالتدریج راه را برای تأسیسِ " شورای عالی صلح، آزادسازی زندانیانِ طالب اززندان های امریکا وافغانستان، حذفِ اسامی تروریستهای طالبی ازلیستِ سیاهِ سازمان ملل، گشایشِ دفاترطالبان درقطر درسالهای بعد مهیا ساختند. این سیاستِ انگلیسی درارتباط با حمایت ازگروه طالبان تا آنجا دامن گسترد که درسالهای پسین، مذاکره با طالبان یا " با برادرانِ ناراض" به شعارشباروزی حامد کرزی مبدل گردید، تقاضای جدی و منطقی همکاری ازمقام های پاکستانی، به کرنش و تضرع و تگدی مبدل شد، مسافرتهای هیأت های افغانی به این منظور، بمراتب رهسپارِاسلام آباد گردید و بالمقابل، روحیه ی جنگی گروه مسلح طالبان بحدی بلند رفت که نه تنها گروه مذکور یکبارهم پروسه ی مذاکره غرض تأمینِ صلح وامنیت را رسماً تأیید نکرد، بلکه به شدتِ عملِ تروریستی شان حتا تا درونِ دژهای امنیتی جانب دولت افزودند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

درهمین شب وروز، هنگامهٔ طرح و تدویرِ "کنفرانسِ دومِ بُن "از طریق رسانه های جمعی داخلی و خارجی بالا گرفت. گفته میشد که این کنفرانس، به تعقیبِ کنفرانسِ اول که درماه دسامبرسال ۲۰۰۱ میلادی در" بُن" مرکزآلمان دایرگردید و موجبِ تأسیسِ حکومتِ عبوری، مؤقت و " انتخابی" و تشکیل پارلمان و قوهٔ قضائیه وغیره شد، بازهم به میزبانی کشورِآلمان و اشتراکِ سازمان ملل، بتاریخ پنجم ماه دسامبر سال ۲۰۱۱م دایرخواهد شد. هرچند آجندا یا روؤس مطالبِ قابلِ بحث درکنفرانسِ مذکور) تاماهِ اکتوبر۲۰۱۱م) پنهان نگهداشته شده بود، ولی آگاهان و تحلیلگرانِ سیاسی اظهارداشتند که کشورهای غربی و ذیدخل درامورِافغانستان، پس ازتلاشهای نظامی، سیاسی، مالی و فرهنگی درافغانستان و درپی جنگِ ده سالهٔ " علیه تروریسم" که منجربه آشفته گی بیشترِاوضاع درکشور وظاهراً موجبِ شکستِ نظامی آنها دربرابرِ تروریسم گردیده است، درنظردارند، راهِ برون رفت ازبُن بستِ جنگِ ده ساله را درچهار چوبِ این کنفرانس جُست و جو نموده و بخشی ازگروهِ مسلحِ تروریستی (طالبان) را درحاکمیتِ سیاسی افغانستان مدغم سازند. برخی ها میگفتند که امریکا و بریتانیا که درامورِ سرنوشتِ ملی مردم افغانستان دست قوی دارند، میخواهند از طریق تبانی و سازش با گروه های تروریستی وحتا با تحویلدهی وبخشایشِ چند ولایتِ جنوب و جنوب شرقی افغانستان برای طالبان، غرض ایجادِ مجددِ امارتِ مذهبی آنها، هم زمینهٔ خروجِ آبرومندانهٔ شان ازخاکِ افغانستان را فراهم آورند وهم، با چنین معاملهٔ مهم، تأسیس وتدوامِ بدون مانع پایگاه های نظامی دایمی درمناطقِ مختلفِ افغانستان را میسرگردانیده وبه پیشبُردِ برنامه های اصلی استراژیکِ خویش درمنطقه بپردازند. این، درحالیست که علی رغمِ حضورِ یکصد و پنجاه هزارسربازِتا به دندان مسلحِ پیمانِ (ناتو)، گروه طالبان قادرشده اند، بخشهایی ازخاکِ کشوررا بصورت مرموزی تحتِ کنترول خویش درآورند.

چنانکه قبلاًهم تذ کرداده شده، "رابرت بلک ویل" سفیر سابق امریکا درهندوستان، معاونِ مشاورِ امنیتِ ملی امریکا دردورانِ زعامتِ جورج دبلیو بوش و یکی از پالیسی سازانِ کاخ سفید، چندی قبل، بگونهٔ رسمی اظهار داشت که " **امریکا در این شرایط مجبور است طالبان را در قدرت سهیم کند** " وی حتا بصورتِ آشکارا بیان نمودکه **"باید مناطقِ پشتون نشین به طالبان واگذارشود**" ". اخضرابراهیمی" نمایندهٔ قبلی سازمان ملل درامورِافغانستان کسی بود که گفت " : **عدمِ سهمگیری طالبان در کنفرانسِ اولِ بُن یک اشتباه بود و آنها باید در کنفرانسِ دومِ بن سهیم ساخته شوند (237) " .**

موازی باچنین هنگامه ها، این موضوع نیزافشا شد که مقام های امریکایی تا حال، (تا سال ۲۰۱۲م) سه دَوره مذاکراتِ مستقیم با نمایندهٔ ملاعمر رهبرِ طالبان انجام داده اند که دو َدورِ آن با شخصی بنام " سیدطیب آغا " بگونهٔ مخفی درآلمان انجام داده شده است .این، همان چیزی بود که مقام های حکومتی پاکستان ازدیربازخواهانِ آن بوده وچند بارتوسط برخی ازجنرالانِ نظامی و رهبرانِ مذهبی آن کشور، طی سخنرانی ها و مصاحبه های شان ابراز گردیده بود. یعنی، ملاحظه میشد که چگونه پالیسی های خانه خرابکُنِ مقام های پاکستانی، علی رغم آنکه ازجانبِ غرب به صورت آشکارا به تروریست پروری متهم بودند، درقبالِ افغانستان بگونه یی پذیرفته شده و قدم به قدم به کرسی نشانده میشود. .

دست کرزی به دامن پادشاه سعودی

بهمین سلسله، حامد کرزی رییس جمهورافغانستان درهفتهٔ اخیرماه آگست ۲۰۱۱ میلادی رهسپار عربستان سعودی گردید و با َملِک عبدالله پادشاه آن کشور پیرامونِ تدویرِ کنفرانسِ دومِ بُن، همکاری وی درجهتِ ترغیبِ گروه طالبان وکشاندنِ آنان بالای میزِمذاکره با دولت افغانستان دیدارنمود. رژیمِ سلطنتی عربستان سعودی نه تنها حامی سیاسی و تمویل کنندهٔ عمدهٔ گروه های وهابی، سلفی و مدارس مذهبی پاکستان بوده است، بلکه بعنوان ایجاد گر، تمویل کننده و حمایتگرشناخته شدهٔ گروه طالبان ودرعینِ حال، یار و مدد گارِ مالی و سیاسی حکومتگرانِ پاکستان و حلقاتِ مذهبی و ارتجاعی آن کشور نیزمیباشد. البته حامد کرزی قبلاً نیزبه همین منظور، سفرهایی به دربارِپادشاه سعودی انجام داده بود.این نکته نیزازطریقِ رسانه ها افشا گردید که درعین زمان، تنی چند از نمایندهٔ های ملاعمرهم به عربستان سعودی سفرکردند. جالب اینست که علی رغم تلاشها و تقاضا های مکررِ کرزی، " شورای عالی صلح" و دیگران ازگروه طالبان غرضِ حاضرشدن بالای میزِ مذاکره، علاوه ازآنکه مقام های رژیم عربستان سعودی هیچ گونه تمایل یا اراده یی دراین زمینه ازخود نشان ندادند، بلکه گروه طالبان، حملات وعملیاتِ خصمانه، خونین و انتحاری خویش درنقاطِ مختلفِ کشورادامه دادند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

حامد کرزی درتلاشهای طالب گرایانهٔ خویش چنان راهِ افراط پیمود که حتا فراموش کرد بداند که رژیم وهابی عربستان سعودی ملیونها دالرو دینارra بالای پروژه ی طالبان و ترویجِ وهابیت وسلفیسم درافغانستان و پاکستان هزینه نموده و این سرمایه گزاری هنگفت و چندین ساله، بخشِ عمدهٔ سیاست و برنامهٔ ستراتژیکِ آن کشور را تشکیل میدهد. بهمین اساس هم بود که شاه سعودی دربرابرِسفرهای متعدد و تضرعاتِ مکررِ حامد کرزی، کوچکترین توجهی مبذول نداشت. وی همچنان فراموش کرده بود که علاوه ازرژیم سعودی، حلقاتِ مذهبی با نفوذِ آن کشور، شیخ نشین های خلیج فارس و نهاد های علنی و مخفی دیگردرآن کشورها، ازدیرزمانی با سازمانِ تروریستی القاعده، گروه طالبان، شبکهٔ تروریستی حقانی، لشکرطیبه و دیگران ارتباط تنگاتنگی دارند و آنهمه روابطِ مخفی وعلنی سازمان یافته، هرگز رژیم وهابی عربستان سعودی را به همکاری دراین زمینه اجازه نخواهد داد .

به سلسلهٔ همین نوع دویدن ها و تضرعاتِ رییس جمهورافغانستان بود که دراواخرِماه دسامبر ۲۰۱۳م رسماً درکابل اعلام گردید که هیأتِ " شورای عالی صلح "، ضمن آنکه دریک کنفرانس اسلامی درعربستان سعودی اشتراک میکند، ازمقام های سعودی وهیأتهای کشورهای اسلامی خواهد خواست تا درترغیبِ گروه طالبان بسوی مذاکره و قطعِ جنگ و خونریزی درافغانستان همکاری نمایند. بازهم اقدام و تقاضایی که ازسوی برخی ازکارشناسانِ سیاسی و رسانه های افغانی، کاملاً بیهوده وغرورشکنانه خوانده اند.

ولی آگاهانِ سیاسی اظهارداشتند که هستند برخی ازفرماندهانِ گروه طالبان که تمایل به مذاکره و کنارآمدن با دولت افغانستان دارند، مگرچون ازنظرمالی، نظامی و لوژستیکی شدیداً وابسته به شبکهٔ استخباراتِ نظامی پاکستان بوده پناهگاه ها و اعضای خانوادهٔ آنها نیزدرخاک پاکستان قرار دارد و ازجانبی، تیم های خاص اطلاعاتی، نظارتی و عملیاتی شبکهٔ مذکور درمیانِ افراد گروه طالبان درمناطقِ مختلف (داخل و خارج افغانستان) فعال هستند، بنابرآن، اگرکسی یا کسانی ازمیان سرکرده گانِ طالبان، پیشنهادِ مذاکره را بپذیرند و یا تماسی با جانبِ دولت کرزی برقرارسازند، توسط تیم های خاص شبکهٔ آی.اس.آی دچارِسرنوشتِ خونینی میشوند، مگرآنکه سرکرده گانِ شبکهٔ استخباراتِ ارتشِ آن کشوراز چنین معاملهٔ سیاسی به رضا و نوا رسیده باشد. این آگاهان، سرنوشتِ ملاعبدالغنی (ملابرادر) یکی ازفرماندهانِ مشهورِطالبان را مثال می آورند که وقتی تماسگیری اش با دولت کرزی افشا گردید، فوراً توسط آی.اس.آی درشهرکراچی دستگیروزندانی شد.

درپایانِ این فصل، بمورد خواهد بود نوشتهٔ یکی ازهم میهنان را که در شماره ی ماه ماه دلو سال ۱۳۹۰ خورشیدی " شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان" به نشر رسیده است، درج نماییم :

"آنها {گروه طالبان} درهشت سالِ گذشته به حُکمِ عمالِ پاکستانیها صد ها مکتب و مدرسه و شفاخانه و پلْ و پُلچک را که درنتیجه کمُکهای جامعهٔ جهانی در شهرها و ولسوالیها بنا شده بودند، سوختند و ویران کردند. اکنون این مکتب سوزان چگونه موردِ عفو قرار میگیرند و با روند صلح یکجا خواهند شد؟ معلوم است که زیرِ کاسه نیم کاسه است و حکومت نیز به سمت و سویی در حرکت است که برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. معلوم است که عفو چنین انسانهایی که کارنامه های سیاهشان هنوز بر سرِ زبانها ست، چه مصیبتی را به بار می آورد. طالبان درکوتاه مدتِ زمامداریشان بر بخشهایی ازافغانستان، کارنامه های سیاهی از خود بر جای گذاشتند. این گروهِ وابسته به بیگانگان که توسط استخباراتِ پاکستان و دسیسهٔ سعودیها و امکاناتِ پولی امریکا به وجود آمده بود، در مدت کوتاهی درافغانستان نه تنها فساد ستیز نبودند که بر مبنای همان شعار عرض اندام کرده بودند، بلکه گروه متحجری بودند که بنیاد و ریشه تاریخ و فرهنگِ مردم ما را به آفتاب رها کردند تا نا بود شود. طالبان با تبعیت از روحِ عصبیتهای قومی و بخاطرِ استیلا یافتن برتمام افغانستان، دست به عملیاتِ خانمان سوزی زدند که درتاریخِ افغانستانَ با کارنامه های مدحش و سیاه چنگیزیان همخوانی داشت. جنایاتی را که این گروه در افغانستان مرتکبَ شدند، بی مانند بوده است و چنانچه با دقتِ تمام به آنها نگاه شود، میتواند نشان دهد که مردم افغانستان تا چه اندازه از دستِ اینان به ستوه آمده بودند. زمانیکه به شمالِ کابل سفر میکنید، مایهٔ شرم و عبرتی را هنوز بر در و دیوار های شمالی مشاهده میکنید که طالبان آنرا برای روسیاهی تاریخی خود برجای گذاشته اند. طالبان در ظرف چند هفته، باغ و کاریز، درخت و تاکستان، جویهای آب و خانه های مسکونی و تمام سبز بنانِ این مناطق را چنان سوختندو بریدند، منهدم کردند و ویران نمودند که ازآن یک محیطِ وحشتناک برجای ماندند. طالبان همینگونه در یکا ولنگ، خواجه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

غار، مزارشریف، غور و اماکنِ دیگر کشورجنایاتِ هولناکی را مرتکب شدند و داستانِ قتل عام های شان در تاریخ همچنان خواهد ماند. طالبان مجسمه های بودا را در بامیان منفجر نمودند، صد ها اثرِ تاریخی و مشهوررا درموزیم ملی و نگارستانِ ملی افغانستان سوختند ومنهدم کردند و به این ترتیب نام سیاه خود را در لوحِ بی فرهنگ ترین گروه قدرت طلب در دنیا ماند گار ساختند. طالبان در چند سال حاکمیت خویش افغانستان را به گدامِ تریاک و هیروییِن دنیا مبدل کرده و دربِ همه مکاتب را بر روی دختران و زنان بسته و به این ترتیب نیمی ازافغانستان را از نعمتِ آموزش و تعلیم محروم ساختند، درحالیکه خود را ازشمارِ مسلمانان تلقی مینمودند و مدعی بودند که امارتِ اسلامی را در دنیا بنیاد می گذارند. طالبان حتی ورودِ یک کیلو چای و یا هر جنس دیگری را به ولایاتِ شمال منع کردند. این مسلمان نما های سیاه دل با این کار خود نشان دادند که نه تنها مسلمان نیستند، بلکه سیاه دل ترین انسانهای روی زمین نیز هستند) ". . .

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ